

زندگی مسالمت آمیز، زیر چتر «توحید»

نگاهی به مقاله «ضروریات اسلام» دکتر سید حسین مدرسی طباطبائی

امید حسینی نژاد خبری مردم شهر نیشابور را به شوق آورد. قرار است کاروان نوه پیامبر^(ص) از این شهر عبور کند. مردم از هر گوشه‌ای به استقبال کاروان امام رضا^(ع) آمدند. راویان حدیث، قلم و کاغذ به دست، نزد امام آمده بودند تا سخنانشان را بشنوند. اسحاق بن راهویه یکی از بزرگان آن سنت را نقل می‌کند و می‌گوید: «هنگامی که ابوالحسن^(ع) به نیشابور رسید و خواست که آنجا را به قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، خدا!! از پیش ما می‌روی و گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر! بایم؟ نمی‌گویی؟ حضرت در کجایه نشسته بود، سرش را بیرون آورد و فرمود: از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، علی بن ابی‌طالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی‌طالب شنیدم که می‌فرماید: از پدرم، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب شنیدم که می‌فرماید: از رسول خدا^(ص) شنیدم که می‌فرماید: از جبرئیل شنیدم که می‌فرماید: ... خداوند جل جلاله شنید که می‌فرماید: (کلمه) لا اله الا... حصان من است و هر که از حصان من شود، از عذابم در امان است.» اسحاق می‌گوید: «چون شتر به راه افتاد، حضرت با صدای بلند به ما فرمودند: اما این شرط‌هایی دارد و من از شرط‌های آن هستم.» نقل این حدیث در میان آن سنت نیشابور که محب فرزند رسول خدا^(ص) بودند، بسیار حائز اهمیت است. امام رضا^(ع) به نکته‌ای اشاره می‌کنند که ارتباط مستقیم‌ی با توحید دارد. این روایت از زبان پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است و محتوای آن، نشان دهنده نکته‌ای عمیق در وحدت میان مذاهب اسلامی است. دکتر سیدحسین مدرسی طباطبایی، اسلام‌شناس بزرگ دوران ما، در مقاله‌ای به تحلیل این روایت پرداخته است. این مقاله را در کتاب *Accusations of Unbelief in Islam: A Diachronic Perspective on Takfir* به‌صورت چاپ شده منتشر کرده است. مدرسی طباطبایی این حدیث را با توجه به ضروریات دین اسلام، بررسی کرده است. این پژوهشگر بر این باور است که در آن دوره‌ای که مسلمانان به راحتی به تکفیر هریک از مذاهب می‌پرداختند، این بیان امام رضا^(ع) نشان دهنده این موضوع است که هر گروهی نمی‌تواند با تکیه بر اعتقادات خود، مسلمان دیگری را تکفیر کند. درون مایه این روایت، سراسر حس انسان دوستی و احترام به اعتقادات مذهبی است. در دوره معاصر، مسئله تکفیر یکی از مشکلات مهم جامعه اسلامی است. داعش در سرزمین‌های اسلامی به دنبال آن است که تنها اعتقاد خودش به مفاهیم اسلامی درست است و همه گروه‌های مذهبی اسلامی حتی اله سنت را نیز تکفیر می‌کند. امام رضا^(ع) در این حدیث شریف، به‌ما نشان دادند که نمی‌توان به راحتی مسلمانانی را از دایره اسلام خارج و به او تنگ حرمت کرد. قبیلهان شیعی در طول تاریخ اسلام بر آن بودند که مسلمانان با وجود اختلافات مذهبی، لازم است در کنار هم با رعایت موازین انسانی به‌زندگی خود ادامه دهند و تنها راه بحث در اعتقادات دینی، گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز در چارچوب موازین اسلامی و قرآنی است.

قرآن و زن

مفسران در طول تمدن اسلامی، به دنبال فهم آیات قرآن با تکیه بر دیدگاه‌های عصر خود بوده‌اند. در این میان، در دوره معاصر برخی قرن‌پژوهان زن معاصر که به‌خی نگاه‌های مفسران سنتی به‌زبان تفکاهی داشتند، به دنبال فهم جدید از آیات قرآن رفتند. این‌ها معتقدند به‌هیچ عنوان قرآن زن‌ستیزی وجود ندارد و این برداشت‌های زن‌ستیزانه، ناشی از غلبه‌نگاه مردانه در تفسیر قرآن است. آینه دود، یکی از قرآن‌پژوهان مسلمان که آفریقای تبار مهاجر کشور آمریکا است، سال‌ها پیش کتابی با نام «قرآن و زن، سوالش کرد» در این کتاب با ترجمه اعظم پویا و از سوی انتشارات حکمت به چاپ رسیده است.

در کتاب یادشده، گرچه دود از عنوان فمینیست تبری می‌جود، شایسته است اوست را در طول جریان بادشده درمزه زان مسلمان محسوب کنیم؛ کسانی که در این اعتقاد به وحیانی و ایمان به مبانی دینی اسلام، کردی تعصیف و تردید در بیان‌ها جنسیتی به‌گمان آنان - ناعادلانه، چیری که به نظر بیشتر صاحب‌نظران، لزوماً متعلق به‌متن نیست و ناشی از ذهنیت‌مردانه مفسران در طول تاریخ تفسیر بوده متعلق به دوره تاریخمند فرهنگی و عرفی مردسالارانه زمانه نزل قرآن بوده است که هنوز آن‌گونه که باید، قشمتان‌ها و برابری خواهانه جنسیتی، آمادگی رزمینه تاریخی برای ظهور و بروز سطرده نداشته‌اند.

در کتاب قرآن و زن، پس از چندین سال مطالعه این است که، «من هرچه بیشتر در قرآن تحقیق کردم، افکار و از قید و بند قرن ها و قرائت جنسیت محور و تمایلات فرهنگی عربی اسلامی، بیشتر یقین کردم که در اسلام، زن از جهت آغاز پیدایش و از نظر کیهان شناختی، آخرت شناختی، روحی و معنوی، انسان کامل و برابر با همه انسان های است که خداوند را پروردگار، پیامبر و محمد (ص) و پیامبر و اسلام را به مثابه دین پذیرفته اند».

سفیر عشق، غم خوار مردم

درباره زندگی و اندیشه های والای شهید آیت... سعیدی که تاریخ این مرزوبوم با نام امثال او گره خورده است

A portrait of a man with a full black beard and mustache, wearing round black-rimmed glasses. He is wearing a black turban and a dark jacket over a light-colored collared shirt. The background is a mottled green and brown.

چند خاطره از منش اجتماعی شهید سعیدی

پرسیدیم: «عبایان چه شد؟» گفتند: «سر راه مرد فقیری را دیدم که از سرما می لرزد. عبایم را روی دوشش انداختم. من دیدم که حالا قبا دارم و فعلاً به عبا احتیاج زیادی ندارم؛ پس نباید فرد مسلمانی از سرما بلرزد و من هم عبا داشته باشم و هم قبا. یکی از آن ها بایرم کافی بود.»

همچنین، در همسایگی ما راننده تاکسی زندگی می کرد که وضع خوبی نداشت. او تعریف می کرد که یک روز صدای نفس نفس زدن یکی را شنیدم که از پله ها بالا می آید. محل سکونت ما در طبقه سوم بود. وقتی نگاه کردم، آیتا... سعیدی را دیدم که کیک گونی زغال به دوش گرفته بود و برای ما می آورد.

آیت... سعیدی با وجود علاقه زیاد به درس و دانش آموزی، خیلی اهل حرف زدن و خواندن و باخوابی و زوجه و کتاب نبود. چندی نمی توانست درباره درد ورنه مردم و ناسامانی های ناشی از استبداد و اختناق رضاحی بی تفاوتی باشد. از این رو، از آنچه از دستش برمی آمد، به نفع محرومان و دردمندان در هیچ اوضاعی دریغ نمی کرد. فرزند آیت... سعیدی درباره خصلت مردم خواهی ایشان چنین می گوید:

«یکی از روزها که از مسجدشان، مسجد موسی بن جعفر^(ع)، در خیابان غیاثی تهران به منزل آمدند، دیدیم عبا روی دوششان نیست. از ایشان

را که برای حفظ مصالح مسلمین و خدمت به اسلام
جان خود را از دست داد، به ملت اسلام عموماً و خصوصاً
به ملت ایران تعزیت می‌دهم و از خداوند متعال رفع
شر دستگاه جبار و عمال کثیف استعمار را مسئله
می‌نمایم.»

دغدغه‌های یک مرد

وصیت‌نامه‌ها منعکس‌کننده اندیشه‌ها و دغدغه‌های افراد هستند. برای همین یکی از وسیله‌های بسیار معتبر برای شناخت شخصاً جانشان از سوی محسوب می‌شوند. برای شناخت بهتر ایشان، نسیب‌دینست نگاهی به وصیت‌نامه ایشان داشته باشیم.

در بخشی از وصیت‌نامه ایشان می‌خوانیم: به‌هر کس که‌می‌خواهد زحمت برآیم بکشد، بگوید در عوض یک مسئله را بگیرد و عمل کند. هر کس به‌من بدهکار است، من که‌م‌صورت دارم، اگر تأخیر عمرش تنوانست بپردازد، بروی‌الذمت است.

پیام امام (ره) در پی شهادت ایشان

س از شهادت آیت... سیدی، باران امام خمینی (ره) پس از شهادت زبانی در داخل و خارج از ایران بار خونی در آمد. امام (ره) نیز در نجف اشرف برگزاری مجلسی به مدت چهل شب با مخرج شخصی خود برعهده رفتند و در همه آن شب شرکت کردند تا به این وسیله با مهمی را به مردم و پیوسته ستمگر پاهای منتقل کنند. به همین مناسبت هم پیامی را منتشر کردند: «در ادامه بخشی از آن را با هم می خوانیم: حوادث غیرایمان که قتل مرحوم سیدی مرتب بر آن هاست، موجب کما این تا است. مرتب مرا مرحوم سیدی است که با این وصف اسف انگیز در گوشه زندان پای درمی آید، بلکه چه بسا افراد مظلوم و بی گناه چشم خنکوی در سیاه چال های زندان مورد ضرب و شکنجه های وحشیانه و رفتارهای درونی قرار می گیرند... من قتل فجیع این سید بزرگوار و فدایان

فعالیت های اجتماعی و سیاسی

آیت... سعیدی از آن شخصیت‌های تک‌بعدی نبود و به اقتضای زمان و مکان هرکاری که می‌توانست در مسیر مبارزه با رژیم پهلوی و آگاه‌سازی مردم انجام می‌داد. فعالیت‌های زیر گوشه‌ای از این تلاش‌هاست:

تأسیس حوزه تهیه و تشکیل کلاس برای بانوان در تهران، تأسیس تشکیلات گروه‌های امر معروف و نهی ازمنکر، تأسیس کتابخانه، راه‌اندازی نشریه‌ای به نام مسجد امام هفتم (۴)، چاپ و انتشار نوارهای سخنرانی امام خمینی (ک) در نجف در اعوان و ولایت فقیه

شیخ الازهر در بیت آیت...



وهما هاش، ابتدا شیخ محمود الخلیل الحصری، رئیس قرا الا زهر، چند آیه از کلام... مجید راتوت می کند. سپس سید محمد علی میانی از طرف پدرش و علما و عواظ قمیم مشهد، خیر محمد می گوید و برای مسلمانان آرزوی اتحاد و اتفاق می کند. دکتر شیخ احمد القرباسی، رئیس کرسی مذاهب و سرپرست بخش عواظ الا زهر، ضمن تشکر، مطالبی در زمینه اتحاد و اتفاق و یگانگی مسلمانان جهان و روابط بین ایران

ملاقات می کردند، جلسه می گذاشتند و مذاکره می کردند و خیلی خوب با هم برخورد می کردند و حسن معاشرت داشتند. علمای ما در طول تاریخ به خصوص در مرقع حساس، اتحاد بین مسلمین را حفظ کردند، در یکی از اسناد ساواک به شماره ۱۳۰۹/۹ نیز ماجرای این دیدار شرح داده شده است که: در ساعت ۱۶:۳۰ گروهی از علما و مواظ که قبلاً از طرف میانی به همین لحاظ دعوت شده بودند، در منزل میلانی می شنید. پس از ورود فحام

● **مردی شهره به زهد و پارسایی**

آیت... سید محمدزاده سعید در زمانی اندک به مقام چاه‌ها رسید. سید علی پوزه‌ار در حوزه علمیه هدیه رسید و به زهد و پرهیزگاری شهرت یافت. همین موضوع بستر برای ارتباط گیری ایشان با علمای برجسته زمانه خودش شد و خیلی زود به محضر درس علمای بزرگی مانند آیت... میرزا آقاسی، آیت... العظمی... دست یافت و امام خمینی^(ع) کدست یافت و جزو شاگردان نامدار آن‌ها شد. زهد و پرهیزگاری آیت... سعیدی در حدی بود که هر چه گاه به ایشان اجازه می‌داد به راحتی از او که موضوع کوچکی بگذرد و آن را زاندا بدید بگیرد. فرزند آیت... سعیدی دربار کوچکی خاطره‌ای از ایشان درباره سرسختی پدرش در قبال خطایه دولت‌مردان می‌گوید:

«در زمان آیت... العظمی بروجردی پدرم به دعوت مردم آبادان به آن شهر رفت. در آن زمان عکس ثریا، همسر شاه، را در روزنامه ها چاپ کرده بودند. حالا کار می کرد که هر چه بود، همین عکس را انداخته اعتراض نمی دادی. اما هر چه بود، عکس موضوع مورد اعتراض آقای سعیدی قرار گرفت و در منبر مطالبی بر ضد شاه و خانواده اش گفت که یکی از همین مسئله باعث دستگیری روزندانی شدشن است. از روحانیون معروف آبادان (آقای قاتمی) وساطت و فرمانداری آبادان به ما باین شرط قبول می کند که آقا بگوید آن سعیدی که بر ضد همسر شاه حرف زده است، من نیستم و فرد دیگری است و دستگیری من به خاطر تشابه اسمی بوده است. روز بعد آقای سعیدی با فرماندار نظامی اوسته و می شود که او را و می پرسد آیا شما همان سعیدی هستید که در منبر به زن شاه و به بیراه گفتید؟ آقا بلافاصله جواب می دهد: بله. من همان سعیدی هستم که او را همین چند روز پیش گفتم. موضوعی که من سر دادی باعث زندانی شدن ایشان شد و در نهایت بواسطه باغبی فراوان زندی آزاد شد»

● فعالیت‌های سیاسی خارج از ایران

آیت... سعیدی سفرهای تبلیغی زیادی در داخل و خارج ایران برای شناساندن اندیشه‌های خود خمینی^(۳) به دیگران و فعالیت‌های مبارزاتی‌اش داشت. برای نمونه در حادثه بازهم خرداد ۱۳۴۲ حضرت امام خمینی^(۴) دستگیر و زندانی شدند. آیت... سعیدی برای تبلیغ در کویت به سر می‌برد. ایشان از طریق رادیو از اوضاع داخلی ایران آگاه شد و همراه چند روحانی مبارز دیگر که در کویت به سر می‌برد، مانند حاج‌الاسلام والمسلمین دوانی، آیت... خزعلی، حاج‌الاسلام والمسلمین وحیدی و آیت... سیدعباس مهری با نوشتن نامه‌های به مراجع نجف، آنان را از اوضاع ایران آگاه کردند که جان امام^(۵) را در ایران تهدید می‌کرد. آیت... سعیدی به‌این

نشر اندیشه در قالب اثر علمی

آیت... سعیدی به قدری برای خودش دغدغه ایجاد کرده بود که فرصت زیادی برای نگرانش برایش پیش نمی‌آمد. با همه این‌ها، سعی می‌کرد هیچ‌گاه از رسانه‌های تأثیرگذاری مانند کتاب و نشریه غافل نشود. در میان آثار مکتوبی که از ایشان برجا مانده است، می‌توان به این اثرها اشاره کرد:

آیا دین موجب عقب ماندگی است؟ آزادی زن، اتحاد در اسلام، کار در اسلام، استفتائات (مجموعه ۶۴ استفتا از سید روح الله خمینی)، رساله امر به معروف و نهی از منکر «ترجمه از تحریر الوسیله» و ...

در سال ۱۳۵۰ خورشیدی یک هیئت بلند پایه علمی به ریاست شیخ محمد الفحام، رئیس دانشگاه الاهر مصر، به ایران آمدند. این گروه پس از مدتی عازم مشهد شدند. شیخ فحام از مسئولان خواست تا به دیدار آیت... محمد هادی میلانی برود. آیت... سیدعلی میلانی درباره این دیدار می گوید: شیخ جامع الاهر، شیخ محمد الفحام، وقتی به ایران آمد و به مشهد مقدس مشرف شد، تقاضا کرد تا مرحوم جدم که از مراجع بزرگ بودند، ملاقات کنند. خود این تقاضا از این شخصیت بزرگ، دال بر این است که این ها به دنبال اتحاد بین مسلمین هستند. مرحوم جدم باین تقاضا موافقت و از آمدن آن استقبال کردند. من بوم در آن جلسه، مرحوم جدم به من فرمودند که خوب است چند کلمه خبر مقدم بگوئی به حدیث الثقلین را در کلامت مطرح کنی که انانی تارک فیکم الثقلین کتاب... و عترتی اهل بیته... وقتی این حدیث مطرح شد، شیخ الاهر تأیید و قبول کرد که قرآن و اهل بیت طایف روحیات معتبر، مرموق قبول همه و وسیله نزدیک شدن مسلمین به همدیگر بلکه وسیله اتحاد مسلمین خواهند بود و ما اسناد آن جلسه را داریم و نظیر این جلسه، مشهد، و بعد، علمای بزرگی که از بلاد مختلف به مشهد مقدس مشرف می شدند، با مرحوم جد بنده